

بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ

قانونہ یار امور حسبی

مؤلفین: سید مجتبیٰ موسوی - قائم الدین شعبانی حاجی

انتشارات چتر دانش



موسوی، سیدمجتبی، ۱۳۴۷ -

قانون یار امور حسبی

تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.

۲۶۰ ص.

۹-۵۵-۷۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸

فیبای مختصر

این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir>

قابل دسترسی است.

: شعبانی حاجی، قائم‌الدین، ۱۳۶۶ -

: ۳۷۵۳۵۵۱

● سرشناسه

● عنوان و نام پدیدآور

● مشخصات نشر

● مشخصات ظاهری

● شابک

● وضعیت فهرست‌نویسی

● یادداشت

● شناسه افزوده

● شماره کتابشناسی ملی

قانون یار امور حسبی

چتر دانش

سید مجتبی موسوی - قائم‌الدین شعبانی حاجی.

ششم - ۱۴۰۱

۵۰۰

۹-۵۵-۷۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸

۴۵۰۰۰۰ تومان

● نام کتاب

● ناشر

● مؤلفین

● نوبت و سال چاپ

● شمارگان

● شابک

● قیمت

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آنها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آنها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آتاج که مهر آسمان‌شاخ آرازم بفرست

آلام زمین‌رام است:

به استوارترین تکیه گاهم؛ دستاخ پر مهر پدرم

به سبزترین نگاه زندگیم؛ چشمخ سبز مادرم

که هرچه آموختم در مکتب عشق شما آموختم و هرچه بقوشم قطره‌ای

از دریا بر کراخ مهر بانیتاخ را سپاس نتوانم بگویم.

امروز هستم به امید شماست و فردا کلید باغ بهیستم رضای شما

ره آورد در گراخ سنگ تر از لایخ لایخ نداشتیم تا به خاک پایتاخ نثار

کنم. باشد که حاصل تلاشم نسیم گونه، غبار خستگی‌تاخ را بزداید.

بوسه بر دستاخ پر مهرتاخ

«قائم الدین شعبانر حاجر»

فهرست

۸	قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲.....
۸	باب اول: در کلیات.....
۳۸	پاسخنامه باب اول.....
۴۰	باب دوم: در قیمومت.....
۴۰	فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومت.....
۴۵	فصل دوم: ترتیب تعیین قیم.....
۶۰	فصل سوم: اختیارات و مسئولیت قیم.....
۷۰	نظامنامه دفتر امور محجورین و تحریر ترکه مصوب ۱۳ مرداد ماه ۱۳۱۶.....
۷۶	فصل چهارم: عزل قیم.....
۸۲	از قانون مدنی مصوب ۱۳ و ۱ مهرماه و ۸ آبان ۱۳۱۴.....
۸۸	پاسخنامه باب دوم.....
۹۰	باب سوم: امور راجع به امین.....
۱۰۲	پاسخنامه باب سوم.....
۱۰۳	باب چهارم: راجع به غائب مفقودالاثر.....
۱۰۳	فصل اول: در صلاحیت دادگاه.....
۱۰۵	فصل دوم: در تعیین امین.....
۱۰۸	فصل سوم: دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه.....
۱۱۶	فصل چهارم: در حکم موت فرضی.....
	از قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص حکم موت فرضی غایبان مفقودالاثر
۱۲۳	انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در محاکم صالح مصوب ۱۳۷۶/۱/۲۰.....
۱۲۴	از قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۷.....

۱۲۷	پاسخنامه باب چهارم
۱۲۸	باب پنجم: در امور راجع به ترکه
۱۲۸	فصل اول: در صلاحیت
۱۳۱	فصل دوم: در مهر و موم
۱۴۳	فصل سوم: در برداشتن مهر و موم
۱۴۸	فصل چهارم: در تحریر ترکه
۱۵۶	فصل پنجم: راجع به دیون متوفی
۱۵۶	مبحث اول: استیفاء دین از ترکه
۱۶۵	مبحث دوم: قبول ترکه
۱۶۹	مبحث سوم: رد ترکه
۱۷۲	مبحث چهارم: قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه
۱۷۴	مبحث پنجم: تصفیه
۱۸۱	فصل ششم: راجع به وصیت
۱۸۶	آئین نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸ قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۲۲ وزارت دادگستری
۱۹۷	آیین نامه راجع به ماده ۲۹۹ قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۲۲ وزارت دادگستری
۱۹۹	فصل هفتم: در تقسیم
۲۱۰	از قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۲
۲۱۱	آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب آذر ماه سال ۱۳۵۷ مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۰
۲۱۲	فصل هشتم: در ترکه متوفای بلاوارث
۲۱۶	فصل نهم: راجع به ترکه اتباع خارجه
۲۲۶	فصل دهم: در تصدیق انحصار وراثت

۲۳۴.....	از قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹/۷/۱۴ با اصلاحات بعدی.....
۲۳۷.....	از قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸.....
۲۴۹.....	پاسخنامه باب پنجم.....
۲۵۴.....	باب ششم: در هزینه.....
	از آئین‌نامه حق‌الزحمه مدیر تصفیه و مدیر ترکه موضوع قانون امور حسبی مصوب ۱۳۲۶/۴/۱ وزارت
۲۵۷.....	دادگستری با اصلاحات شورای عالی قضائی در جلسه ۴۲۲ - ۱۳۶۲/۴/۱.....
۲۵۹.....	پاسخنامه باب ششم.....
۲۶۰.....	منابع.....

قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲

باب اول: در کلیات

ماده ۱- امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آن‌ها باشد.

نکته ۱: حسبه اسم مصدر و در لغت به معنای کفایت و تدبیر است. امور حسبی امور خیرخواهانه‌ای است که شارع بر آن‌ها تاکید و ترغیب نموده است تا تحقق یابند و شارع راضی به ترک آن امور نیست و عدم تصدی آن‌ها سبب اختلال در نظام و وظایف اسلامی می‌شود.

نکته ۲: تکلیف دادگاه‌ها در رسیدگی به امور حسبی متوقف بر وقوع اختلاف و اقامه‌ی دعوا نیست ولی در عین حال اگر اختلافی هم وجود داشته باشد، موضوع، تحت رسیدگی دادگاه، به امور ترافعی مبدل نمی‌شود بلکه کماکان امری حسبی است. بنابراین عناوینی که در قانون امور حسبی پیش بینی شده است، اصولاً ماهیتی حسبی دارند و در شمار امور حسبی قرار می‌گیرند حتی اگر تصمیم دادگاه مستلزم انشاء حکم باشد.

نکته ۳: برای تشخیص امور حسبی در حقوق ایران قاعده‌ی کلی آن است که اگر طبع امر مورد درخواست ایجاب نماید که طرف مقابلی وجود نداشته و در عین حال، نظارت و مداخله‌ی قاضی لازم باشد، با امر حسبی روبرو خواهیم بود و این امر منتهی به عمل حسبی خواهد شد.

نکته ۴: تکلیف رسیدگی به امور حسبی ابتدا متوجه دادگاه است و دادستان مطابق ماده ۲۰ قانون امور حسبی، تنها در مواردی که تصریح شده باشد حق و تکلیف دخالت دارد.

نکته ۵: در رسیدگی به امور حسبی ضرورت ندارد که طرفین با هم اختلاف داشته باشند یا شخصی که اطلاع می‌دهد خود، شخصاً ذینفع باشد. بلکه به صرف اطلاع دادگاه از موضوع و درخواست یکی از طرفین یا هر شخصی که حتی نفعی هم در دعوا ندارد، دادگاه مکلف است نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیم مناسبی اتخاذ نماید.

نکته ۶: از مصادیق امور حسبی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱- حفظ اموال غایب ۲- حفظ و نظارت بر اموال صغاری که ولی قهری ندارند ۳- حفظ اموال متوفای بلا وارث ۴- نگهداری اموال مجهول المالک ۵- حفظ و نگهداری اموالی که برای مصارف عمومی بوده و مدیری ندارد ۶- درخواست صدور گواهی حصر ورثه.

نکته ۷: در امور حسبی، مقام دادستان و دادگاه نظارت نهایی خواهند داشت. این مسائل، دعوای

خصوصی تلقی نمی‌شود و به دلیل ماهیت عمومی آن‌ها است که بر حسب ماده ۱ قانون امور حسبی تکلیف اولیه برای حل و فصل، به عهده‌ی دادگاه می‌باشد. حال آنکه دعاوی مدنی معمولی، تکلیف اولیه و بدون درخواست را متوجه دادگاه نمی‌کند. جریان این امور (حسبی) نیازمند اختلاف، نزاع یا دادرسی نیست. بنابراین از عنوان «دعوا» نیز خروج موضوعی دارد. بدیهی است، اگر در جریان رسیدگی به این امور نیز اختلافی حاصل گردد، وصف عمومی و حسبی بودن را از بین نمی‌برد.



۱- امور حسبی اموری است که

(الف) با درخواست ذی‌نفع شروع شده و دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند. بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه‌ی دعوا از طرف آن‌ها باشد.

(ب) دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه‌ی دعوا از طرف آن‌ها باشد.

(ج) دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام و تصمیمی اتخاذ نمایند و رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه‌ی دعوا از طرف آن‌ها باشد.

(د) دادگاه‌ها مختارند به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند و صرفاً با تقاضای ذی‌نفع رسیدگی صورت می‌پذیرد.

ماده ۲- رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد مگر آنکه خلاف آن مقرر شده

باشد.

نکته ۱: به نظر می‌رسد قانونگذار با ذکر این جمله که «رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب

می‌باشد»، رسیدگی شکلی به امور حسبی را در نظر گرفته است، چون رسیدگی ماهوی به امور حسبی در باب‌های دیگر ذکر شده است و باب کلیات، صرفاً به امور شکلی رسیدگی پرداخته است.

نکته ۲: ماهیت امور حسبی به نحوی است که می‌توان آن را ترکیبی از قواعد جزایی و مدنی دانست؛

زیرا اصل سرعت، رسیدگی‌های فوق‌العاده، دخالت گسترده دادستان و دیگر خصایصی که با حقوق

جزا همراه است، در دعاوی مدنی به چشم نمی‌خورد مگر در موارد محدود، اما امور حسبی از این

خصایص برخوردار است. از سوی دیگر نیز نمی‌توان منکر حضور قواعد مدنی در امور حسبی شد،

از جمله در خصوص مرجع صالح برای رسیدگی که قانونگذار، دادگاه‌های حقوقی را صالح دانسته

است یا بسیاری از موضوعات مربوط به امور حسبی که با درخواست به عمل می‌آیند، هر چند

دعوایی درخصوص آن محقق نشده باشد. همچنین مقررات آیین دادرسی که در مورد امور حسبی

اعمال می‌شود، همان مقررات آیین دادرسی مدنی است.

نکته ۳: با عنایت به ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۲ قانون امور حسبی، دادگاه ها برای رسیدگی به امور حسبی باید اصول و قواعد مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی را رعایت کنند مگر اینکه در قانون امور حسبی نص خاصی وجود داشته باشد (نظیر ماده ۱۴ و ۱۵ قانون امور حسبی).

نکته ۴: به موجب بندهای ۱۲، ۱۳ و ۱۵ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، رسیدگی به امور حسبی در صلاحیت دادگاه خانواده است. همچنین طبق ماده ۸ همان قانون، رسیدگی در دادگاه خانواده بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.



ماده ۳- رسیدگی به امور حسبی در دادگاه های حقوقی به عمل می آید.

نکته ۱: به موجب بند ت ماده ۹ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن، در صلاحیت شورای حل اختلاف قرار داده شده است.

نکته ۲: مطابق ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، رسیدگی به امور رشد، حجر و رفع آن و ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آن ها و همچنین امور راجع به غایب مفقودالاندر، در صلاحیت دادگاه خانواده است.



۲- رسیدگی به امور مسبی تابع کدام قانون است؟ (مشاوران ۱۳۸۰)

- الف) قانون امور حسبی
ب) قانون آیین دادرسی مدنی
ج) قانون امور حسبی مگر آن که خلاف آن مقرر شده باشد.
د) قانون مدنی

۳- صدور حکم مجر و رفع مجر در صلاحیت کدام مرجع است؟ (مشاوران ۱۳۸۷)

- الف) دادگاه عمومی حقوقی
ب) دادگاه خانواده
ج) شورای حل اختلاف
د) دادستان عمومی و انقلاب محل

۴- تمریر ترکه متوفی در صلاحیت کدام مرجع است؟ (مشاوران ۱۳۸۷)

- الف) حسب مورد دادرسی یا دادگاه بخش
ب) دادگاه عمومی حقوقی
ج) دادگاه خانواده
د) شورای حل اختلاف

۵- رسیدگی به امور مسبی در صلاحیت کدام مرجع است؟ (مشاوران ۱۳۸۸)

- الف) شورای حل اختلاف

ب) حسب مورد شورای حل اختلاف و دادگاه خانواده

ج) حسب مورد در شورای حل اختلاف- دادگاه خانواده و دادگاه عمومی حقوقی

د) حسب مورد در محاکم دادگستری، شورای حل اختلاف و مراجع شبه قضایی مثل کمیسیون مستقر در اداره ثبت احوال شهرستان‌ها.

ماده ۴- در موضوعات حسبی هرگاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می‌تواند انجام امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده امر می‌فرستد.

نکته ۱: مطابق ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «در هر موردی که رسیدگی به دلایلی از قبیل تحقیقات از مطلعین و گواهان یا معاینه محلی و یا هر اقدام دیگری که می‌بایست خارج از مقر دادگاه رسیدگی کننده به دعوا انجام گیرد و مباشرت دادگاه شرط نباشد، مرجع مذکور، به دادگاه صلاحیت‌دار محل نیابت می‌دهد تا حسب مورد اقدام لازم معمول، و نتیجه را طی صورت‌مجلس، به دادگاه نیابت دهنده ارسال نماید. اقدامات مذکور در صورتی معتبر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه باشد».

نکته ۲: به موجب ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور، دادگاه نحوه‌ی بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین، و از دادگاه خارجی که به آن نیابت داده می‌شود می‌خواهد که براساس آن، کار تحقیقات را انجام دهد. در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به بررسی و تحقیق نماید، اعتبار آن منوط به نظر دادگاه خواهد بود».



۶- در امور حسبی، هرگاه امر در خارج از مقر دادگاهی که آن امر در آنجا مطرح است باید انجام شود.....

الف) دادگاه مزبور مخیر است انجام امور را به دادگاهی که در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع دهد و دادگاه مرجوع الیه مخیر به انجام آن است.

ب) دادگاه مزبور باید انجام امر را به دادگاهی که کار در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع می‌نماید و دادگاه مرجوع‌الیه مخیر به انجام آن است.

ج) دادگاه مزبور مخیر است انجام امور را به دادگاهی که کار در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع نماید و دادگاه مرجوع الیه مکلف به انجام آن است.

د) دادگاه مزبور باید انجام امر را به دادگاهی که در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع دهد و دادگاه مرجوع الیه مکلف به انجام آن است.

ماده ۵- مقررات راجع به نیابت قضائی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.

(مشاوران ۸۴)

۷- کدام گزینه صمیم است؟

- الف) مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی است.
 ب) امور حسبی درباره نیابت قضایی مقررات ویژه‌ای دارد و از آیین دادرسی مدنی پیروی نمی‌کند.
 ج) در امور حسبی نیابت قضایی پذیرفته نمی‌شود.
 د) هیچکدام.

ماده ۶- در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوع صالح باشند دادگاهی که بدواً به آن رجوع شده است رسیدگی می‌نماید.

نکته ۱: تخییر در صلاحیت موضوع این ماده، تخییر بدوی است؛ به این معنی که اگر دادگاه شروع به رسیدگی نمود، نمی‌توان دادگاه دیگری را صالح دانست.

نکته ۲: هر گاه متوفی اقامتگاه مشخصی نداشته و در چند حوزه قضایی دارای اموال غیرمنقول باشد، و وراثت هم در چند حوزه قضایی مختلف تقاضای رسیدگی به موضوعات امور حسبی نمایند، دادگاهی برای رسیدگی به موضوع صالح است که بدواً به آن رجوع شده است.

نکته ۳: مطابق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «دعای مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعای مالکیت، مزاحمت، ممانعت ازحق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد».



۸- در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به امری از امور مسبی صالح باشند،

- الف) دادگاهی که بدواً به آن رجوع شده است صالح است.
 ب) دادگاهی که افراد بیشتری از طرفین موضوع در آن اقامت دارند صالح است.
 ج) دادگاهی که اجرای تصمیم در آن به تشخیص رئیس حوزه قضایی سهل‌تر می‌نماید صالح است.
 د) دادگاهی که به تشخیص رئیس حوزه قضایی معین می‌گردد صالح است.

ماده ۷- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاهها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

نکته ۱: هرگاه بین دو دادگاه بدوی از حوزه قضایی یک استان اختلاف شود؛ حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر استان خواهد بود (ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹).

نکته ۲: در صورتی که اختلاف در صلاحیت بین دادگاه‌های بدوی از حوزه قضایی دو استان واقع شود، مرجع حل اختلاف، دیوان عالی کشور می‌باشد (تبصره ماده ۲۷ قانون آ.د.م مصوب ۱۳۷۹).

نکته ۳: هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود، حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم الاتباع است (ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹).

نکته ۴: هرگاه دادگاه رسیدگی کننده به امور حسبی به صلاحیت مرجع غیر قضایی اظهار نظر کند، تعیین مرجع صالح برای رسیدگی با دیوان عالی کشور خواهد بود.



۹- در صورت افتلاف در صلاحیت در امور حسبی، رفع افتلاف با کدام دادگاه است؟ (مشاوران ۱۳۸۱)

الف) با دادگاه عمومی هم عرض

ب) با دادگاه تجدید نظر استان

ج) اگر بین دو دادگاه عمومی در یک استان باشد با دادگاه تجدید نظر استان و الا با دیوان عالی کشور

د) با دادگاه محل سکونت متقاضی

ماده ۸- دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

۱- اموری که در آن‌ها ذینفع است.

۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).

۳- امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.

۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آن‌ها دارد.

نکته: در صورت وجود یکی از جهات رد، دادرس می‌بایست با صدور قرار امتناع از رسیدگی، از مداخله در امور حسبی خودداری کند.



ماده ۹- در موارد خودداری دادرس، هرگاه در آن حوزه دادرس صلاحیت‌دار برای رسیدگی

نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیک‌تر ارجاع می‌شود.

۱۰- در موارد فودداری دادرس از رسیدگی به امور مسبی

- الف) در صورت توافق طرفین، دادرس رسیدگی می‌کند.
- ب) با نظر شعبه اول دادگاه عمومی مرکز استان، برای ارجاع، به حوزه‌ی دیگری فرستاده می‌شود.
- ج) اگر در آن حوزه دادرس صلاحیت‌دار برای رسیدگی نباشد، به رئیس حوزه‌ی قضایی ارجاع شده و مطابق تصمیم او عمل خواهد شد.
- د) در صورت عدم وجود دادرس صلاحیت‌دار در آن حوزه، رسیدگی به دادگاه نزدیک‌تر ارجاع می‌شود.

ماده ۱۰- در موارد ماده ۸ دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی اشخاص ذینفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند.

نکته: در این ماده برای عدم خودداری دادرس از رسیدگی به موضوعات امور حسبی در صورت وجود یکی از جهات رد، ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی نشده و همین امر ضعف این ماده را می‌رساند.

۱۱- چنانچه دادرس در رسیدگی به امور مسبی مشمول رد باشد کدام گزینه صحیح است؟

(مشاوران ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)

- الف) باید از رسیدگی خودداری کند و اشخاص ذینفع می‌توانند دادرس را رد نمایند.
- ب) باید از رسیدگی خودداری کند ولی اشخاص ذینفع نمی‌توانند دادرس را رد نمایند.
- ج) رعایت موارد رد برای دادرس الزامی نیست حتی اگر اشخاص ذینفع دادرس را رد نمایند.
- د) در صورتی که اشخاص ذینفع دادرس را رد نمایند می‌بایست از رسیدگی خودداری نمایند.

ماده ۱۱- عدم صلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری رافع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که به عمل آمده است نخواهد بود.

نکته ۱: هر گاه قاضی در حال رسیدگی به امور حسبی مطرح شده در دادگاه متوجه شود دادگاه صلاحیت برای رسیدگی را ندارد، در هر مرحله از دادرسی که باشد، اقدامات به عمل آمده و تصمیمات متخذ از سوی وی دارای آثار و ارزش حقوقی خواهد بود و می‌بایست پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت به دادگاه صالح ارسال کند.

نکته ۲: به موجب ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ «هر گاه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد».

بند ۱ ماده ۳۷۱ این قانون نیز فقدان صلاحیت محلی دادگاه صادرکننده رأی را در صورتی که نسبت به آن ایراد شده باشد از جهات نقض می‌داند. با این وجود با ملاحظه‌ی ماده ۱۱ قانون امور حسبی باید گفت که هیچ تصمیمی از دادگاه به دلیل عدم رعایت قواعد صلاحیت نقض نمی‌شود اعم از اینکه ایراد شده باشد یا خیر.



ماده ۱۲- روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد.

نکته: تشخیص فوریت رسیدگی به امور حسبی، با دادرس رسیدگی‌کننده به درخواست خواهد بود.



۱۲- کدامیک از گزینه‌های زیر صمیع است؟

- الف) در روزهای تعطیل رجوع به دادرس ممکن نیست مگر اینکه امر از امور فوری باشد.
 ب) روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیر اندازد حتی درخصوص امور فوری.
 ج) روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد.
 د) روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس در صورت عدم ایراد ذینفع می‌تواند رسیدگی را به تاخیر اندازد.

ماده ۱۳- درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد- درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضای درخواست‌کننده می‌رسد.

نکته: کتبی یا شفاهی بودن نحوه‌ی درخواست در امور حسبی، به اختیار درخواست‌کننده بوده و ارتباطی با سواد یا بی سواد بودن درخواست‌کننده ندارد.



۱۳- کدام گزینه نادرست است؟

- الف) درخواست در امور حسبی می‌بایست به صورت کتبی باشد.

- (ب) درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا شفاهی باشد.
 (ج) درخواست بدون امضاء قابل رسیدگی نیست.
 (د) درخواست شفاهی در صورت مجلس نوشته شده و به امضای درخواست کننده می‌رسد.

ماده ۱۴- در امور حسبی دادرس باید هر گونه بازجوئی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد، هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلائلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.

نکته: در امور ترافعی نمی‌توان در هر زمان و موقعیت، دلایل را پذیرفت و ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز در کنار سایر اصول، اعمال خواهد شد.

۱۴- دادرس در امور مسبی تا چه زمانی می‌تواند دلایل را قبول کند؟ (مشاوران ۱۳۹۲)

- (الف) تا پایان اولین جلسه دادرسی
 (ب) تا قبل از اولین جلسه رسیدگی
 (ج) در زمان رسیدگی دلیل جدید پذیرفته نمی‌شود.
 (د) در تمام مواقع رسیدگی

۱۵- در امور مسبی

- (الف) دادرس هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و باید هر گونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد.
 (ب) در امور مهم فقط دادرس مجاز است با درخواست از وی اقدامات و بازجویی‌هایی را که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد.
 (ج) دادرس فقط در صورت درخواست از وی اقدامات و بازجوئی‌هایی را که برای اثبات قضیه لازم است به عمل می‌آورد.
 (د) به تجویز رئیس حوزه قضائی، دادرس در امور مهم می‌بایست همه گونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد.

ماده ۱۵- اشخاص ذینفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.
تبصره- نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیر آن‌ها است.